

طرحنامه کرسی ترویجی

۱. مشخصات ارائه دهنده (گان):

نام و نام خانوادگی:	فاطمه مشکی باف مقدم
میزان تحصیلات:	دکتری
رشته تحصیلی:	فلسفه تطبیقی
مرتبه علمی:	حق التدریسی
نام و آدرس محل اشتغال:	
شماره تلفن:	09119153269
آدرس ایمیل:	f.meshki.95@gmail.com
شناسه ORCID:	0000-0002-8702-742X

۲. عنوان کرسی:

عنوان فارسی: بخت معرفتی و راهبرد گریز از آن از منظر دانکن پریچارد
عنوان انگلیسی: Epistemic luck and anti-luck virtue epistemology in the view of Duncan Pritchard
عنوان عربی: الحظ المعرفی والابستمولوجیا الفضیلة المضادة للحظ من وجهة نظر دانکان بریتشارد

۳. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع: موضوع کرسی ترویجی بطور دقیق و علمی شرح داده شود. موضوع: بخت معرفتی و معرفت‌شناسی فضیلت ضد بخت از منظر دانکن پریچارد شرح موضوع: یکی از مباحث مهمی که معرفت‌شناسی مدرن به آن می‌پردازد، مسأله‌ی ناسازگاری معرفت با بخت معرفتی است که از آن به «ابتدال بخت معرفتی» یا «پارادوکس بخت معرفتی» یا «نظریه‌ی ناسازگاری» یاد می‌کنند. بخت معرفتی، مفهومی کلی است و برای توصیف هر راه و روشی که به طور شانسی و اتفاقی به شکل‌گیری باور صادق ختم شود، به کار می‌رود. به عنوان مثال، فرد S، باور صادقی را از طریق حدسی که از سر بخت است، شکل می‌دهد؛ مثلاً در یک سؤال چهار گزینه‌ای، فرد S، از طریق حدس حاصل از بخت، باور دارد که گزینه‌ی C پاسخ صحیح است و اتفاقاً و به طور شانسی، باور وی مطابق با واقع و صادق خواهد بود. یا فرد S، از طریق تفکری آرزوآندیشانه، این باور را شکل می‌دهد که باران نخواهد بارید در حالی که پیش‌بینی‌های هواشناسی باران شدیدی را انتظار می‌کشد. اتفاقاً و به طور شانسی باران نمی‌بارد و باور وی که از طریق تفکری آرزوآندیشانه شکل گرفته بود، صادق و مطابق با واقع است. در موارد مذکور، بخت، در رسیدن به باور صادق و مطابق با واقع نقش دارد. حال آیا می‌توان برای بخت معرفتی تعریفی ارائه کرد؟ پنج تبیین پیرامون بخت‌مندی باورها وجود دارد. در اینجا فقط به تبیین وجهی پیرامون بخت معرفتی که موضوع این کرسی است، اشاره می‌کنیم. پریچارد، به عنوان طلایه‌دار تبیین وجهی در بحث بخت معرفتی، چنین می‌گوید: «باور دارای اهمیت P برای عامل S به لحاظ معرفت‌شناختی محصول بخت است اگر و تنها اگر P در جهان فعلی و واقعی صادق باشد اما در اکثر جهان‌های ممکن نزدیک که S باور خود به P را به همان روشی به دست آورد که در جهان واقعی به دست آورده است، کاذب باشد».

مسأله بخت معرفتی، به طور جدی پس از انتشار مقاله «یا باور صادق موجه، معرفت/است؟» (1963) توسط گتیه، مورد توجه قرار گرفت. تا پیش از این، معرفت‌شناسان معرفت را به «باور صادق موجه» تعریف می‌کردند و معتقد بودند که عنصر توجیه در این تعریف می‌تواند باورهایی را که مبتنی بر حدس و گمان بوده و به طور شانس‌ی و اتفاقی صادقند، از حیطه معرفت خارج کند. اما گتیه در این مقاله، با ذکر چند مثال نقض نشان می‌دهد که ممکن است باور صادقی داشته باشیم که موجه است اما مصداق معرفت نیست. در نتیجه ادعا می‌کند این تعریف سه جزئی، دقیق و کافی نیست و نمی‌تواند بخت معرفتی را خارج کند (Gettier, 1963, pp.121-3). بعد از گتیه این مسأله مورد توجه قرار گرفت و برخی، از جمله اونگر (Unger, 1968, p.157-170) و انگل (Engel, 1992, 59-75) در باره بخت‌های سازگار و ناسازگار با معرفت نوشتند.

اما نخستین فیلسوفی که به شکل مبسوط و دقیق درباره بخت معرفتی بحث کرده، دانکن پریچارد است. مهمترین اثر وی در این زمینه، کتاب *بخت معرفتی* (2005) است. انگیزه وی از نگارش این کتاب این است که با تبیین ماهیت بخت معرفتی، بخت‌های سازگار و ناسازگار با معرفت را مشخص کند و راه حلی برای خروج از آن بیابد. وی مقالات متعددی (در 2004; 2007; 2012) در این زمینه نگاشته و این بحث را در طی سال‌ها پیش برده و می‌توان گفت چهار مرحله اصلی را پشت سر گذاشته‌است (2014) که حکایت از تغییر یا تکمیل دیدگاه وی دارد. او در ابتدا معرفت‌شناسی ضد بخت را ارائه می‌کند که مهمترین شرط آن اصل مصونیت است. اما از آنجا که این اصل برای مصونیت از بخت کفایت نمی‌کند، او معرفت‌شناسی فضیلت ضد بخت را معرفی می‌نماید که تمرکز این کرسی بر آن است.

ب. **سوابق دانشی:** تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ یکی از نخستین گزارشات پیرامون ناسازگاری بخت معرفتی با معرفت، در رساله‌ی *تئئتوس* افلاطون یافت می‌شود. در این رساله، سقراط از تئئتوس می‌پرسد که معرفت چیست؟ و او معرفت را به «عقیده‌ی صادق» تعریف می‌کند و سقراط تعریف وی را زیر سؤال می‌برد. سقراط می‌گوید تعریف معرفت به عقیده‌ی صادق غلط است زیرا ممکن است این عقیده، مثلاً در یک هیئت منصفه، محصول مهارت بلاغی یک حقوقدان برای گرفتن حکمی خاص باشد یا از شنیده‌های بی‌اساس حاصل شده باشد. این عبارات می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که افلاطون به ناسازگاری بخت معرفتی با معرفت توجه داشته و به دنبال افزودن شرط دیگری به معرفت است که آن را از بخت مصون دارد، هر چند که در نهایت به نتیجه‌ی روشنی نمی‌رسد. معرفت‌شناسان مدت‌هاست که با افلاطون موافقت و بخت را با معرفت ناسازگار می‌دانند. همانطور که در قسمت مربوط به تاریخچه‌ی بخت گذشت، آثار پیشینیان، این ظرفیت را دارد که مباحثی پیرامون بخت اخلاقی و بخت معرفتی و انواع دیگر، از آن استخراج شود. اما در واقع بحث از بخت معرفتی به شکل امروزی مربوط به دوران مدرن است. شاید یکی از نخستین افرادی که در اوایل قرن بیستم به این بحث توجه داشته، برتراند راسل باشد. او این سؤال را می‌پرسد که «آیا اساساً ما می‌توانیم چیزی را بدانیم یا صرفاً به سبب بخت نیک است که گاهی به آنچه که صادق و مطابق با واقع است، معرفت پیدا می‌کنیم؟» او همچنین در اثر دیگر خود، مثال می‌زند به این که شخص S را در نظر بگیرید که هر روز صبح سر ساعت مشخصی به طبقه‌ی پایین می‌آید و به ساعت قدیمی نگاه می‌کند. امروز ساعت قدیمی، ۸:۲۲ صبح را نشان می‌دهد اما در واقع، این ساعت از کار

افتاده و شخص S نسبت به این مسأله، بی اطلاع است؛ اما اتفاقاً ساعت، زمان صحیح را نشان می دهد و باور شخص S نسبت به زمان، مطابق با واقع خواهد بود. در اینجا راسل می پرسد آیا باور این شخص مصداق معرفت خواهد بود؟ یا محصول بخت نیک است؟ در سال ۱۹۶۳، گتیه با زیر سؤال بردن تعریف سه جزئی معرفت و ارائه ی دو مثال نقض، شرایطی را توصیف می کند که در آن، فرد S، باوری دارد که هم صادق است و هم موجه اما به سبب تأثیرگذاری بخت، نمی تواند مصداق معرفت باشد. هر چند که معرفت شناسان تأیید می کنند که این مثال ها، مثال های دقیقی نیستند اما تا این مقدار کارآیی دارند که ناسازگاری بخت و معرفت را به تصویر بکشند. بعد از نگارش این مقاله است که بحث از بخت معرفتی و ناکافی بودن شرط توجیه، به موضوعی داغ و مهم در میان معرفت شناسان این دوره بدل می گردد و این آغاز بحث جدی پیرامون بخت معرفتی در تاریخ معرفت شناسی است.

ج. موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود.
اصل این موضوع، در داخل ایران نه به فارسی و نه به انگلیسی پیشینه ای ندارد و نخستین اثر به زبان فارسی است.

د. فرایند: فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/ نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود.

ه. منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

- Bricker, A. M. (2021). Neural Phase: a New Problem for the Modal Account of Epistemic Luck. *Synthese*, 198: 7231-7248. <https://doi.org/10.1007/s11229-019-02517-x>
- Carter, J. A., & Pritchard, D. (2015). Knowledge How and Epistemic Luck. *Noûs*, 49(3): 440–453. <https://doi.org/10.1111/nous.12054>
- Carter, J. Adam. (2013). A Problem for Pritchard's Anti-Luck Virtue Epistemology. *Erkenn*, 78: 253-275. <https://doi.org/10.1007/s10670-011-9315x>
- Engel Jr., M. (1992). "Is Epistemic Luck Compatible with Knowledge?" *Southern Journal of Philosophy*, 30: 59-75. <https://doi.org/10.1111/j.2041-6962.1992.tb01715.x>
- Gettier, E. (1963). "Is Justified True Belief Knowledge?" *Analysis*, 23: 121-123. <https://doi.org/10.1093/analys/23.6.121>
- Goldman, A. I. (1976). Discrimination and Perceptual Knowledge. *The Journal of Philosophy*, 73(20): 771–791. <https://doi.org/10.2307/2025679>
- Greco, J. (1999). Agent Reliabilism. *Philosophical Perspectives*, 13, Epistemology: 273-296. <https://doi.org/10.1111/0029-4624.33.s13.13>
- Greco, J. (2003). Knowledge as Credit for True Belief. In Michael Depaul and Linda Zagzebski (eds.), *Intellectual Virtue: Perspectives from Ethics and Epistemology*, oxford: Oxford University Press.
- Greco, J. (2010). *Achieving Knowledge: A Virtue-Theoretic Account of Epistemic Normativity*, Cambridge University Press.

- Hales, S. (2016). Why Every Theory of Luck is Wrong. *Noûs*, 50(3): 490–508.
<https://doi.org/10.1111/nous.12076>
- Harper, W. (1996). Knowledge and Luck. *The Southern Journal of Philosophy*, 34: 273–283.
<https://doi.org/10.1111/j.2041-6962.1996.tb00792.x>
- Hill, J. (2022a). On Luck and Modality. *Erkenntnis*, 87(1): 1873-1887.
<https://doi.org/10.1007/s10670-020-00279-4>
- Hill, J. (2022b). On Luck and Significance. *Synthese*, 200(1): 1-18. <https://doi.org/10.1007/s11229-022-03533-0>
- Kallestrup, J; Pritchard, D. (2016). Dispositional Robust Virtue Epistemology versus Anti-Luck Virtue Epistemology in *Performance Epistemology: Foundations and Applications*. Oxford University Press.
- Khazaei, Z. (2017). *Virtue Epistemology*. Samt.
- Lewis, D. (1973). *Counterfactuals*. Cambridge: Mass.
- Lackey, Jennifer. (2008) “What Luck Is Not,” *Australasian Journal of Philosophy*, 86(2): 255– 267.
<https://doi.org/10.1080/00048400801886207>
- Pritchard, D. (2004). Epistemic Luck. *Journal of Philosophical Research*, 29: 193-222.
https://doi.org/10.5840/jpr_2004_18
- Pritchard, D. (2005). *Epistemic luck*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Pritchard, D. (2007). Anti-Luck Epistemology. *Synthese*, 158: 277-297.
<https://doi.org/10.1007/s11229-006-9039-7>
- Pritchard, D. (2008). Sensitivity, Safety and anti-luck Epistemology. In *The Oxford Handbook of Skepticism*. (Ed.). J. Greco, Oxford, UK: Oxford University press.
- Pritchard, D. (2009a). Safety-Based Epistemology: Whither Now? *Journal of Philosophical Research*, 34: 33-45. https://doi.org/10.5840/jpr_2009_2
- Pritchard, D. (2009b). *What Is This Thing Called Knowledge?* Second edition. USA and Canada: Routledge.
- Pritchard, D. (2012). Anti-Luck Virtue epistemology. *The Journal of Philosophy*, 109(3): 247-279.
<https://doi.org/10.5840/jphil201210939>
- Pritchard, D. (2014). The Modal Account of Luck. *Metaphilosophy*, 45(4-5): 594-619.
<https://doi.org/10.1111/meta.12103>
- Pritchard, D. (2020). Anti-Luck Epistemology and Pragmatic Encroachment. *Synthese*, 199 (1-2): 715-729. <https://doi.org/10.1007/s11229-020-02703-2>
- Pritchard, Duncan; Smith, Matthew D. (2004). The psychology and philosophy of luck. *New Ideas in Psychology*, 22(1): 1–28. <https://doi.org/10.1016/j.newideapsych.2004.03.001>
- Russell, B. 1948. *Human Knowledge: Its Scope and its Limits*. London: George Allen & Unwin.
- Sosa, E. (2003), “Relevant Alternatives conceptualism included”, In *Philosophical Studies*, Berlin: springer link.

- Sosa, E. (2007). *Apt Beliefs and Reflective knowledge, vol. 1: A Virtue Epistemology*, Oxford: Oxford University Press.
- Statman, D. (1991). Moral and Epistemic Luck. *Ratio*, 4: 146–156. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9329.1991.tb00036.x>
- Unger, P. (1968). An Analysis of Factual Knowledge. *Journal of Philosophy*, 65: 157–170. <https://doi.org/10.2307/2024203>
- Zagzebski, L. (1996). *Virtues of the Mind: An Inquiry into the Nature of Virtue and the Ethical Foundations of Knowledge*. New York: Cambridge University Press.

خلاصه طرحنامه شامل همه موارد از (الف تا ه) بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشد.